

مقاله پژوهشی: تأثیر احساس تبعیض قومی در هویت جمعی جوانان کرد کرمانج خراسان شمالی (مورد

مطالعه: شهرهای کرمانج نشین خراسان شمالی - سال ۱۳۹۹)

۲۰.۱۰۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۲.۱۳.۴۷.۷.۱

سوسن صفا^۱، فرح ترکمان^۲ و حبیب صبوری خسروشاهی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷

چکیده

کشور ایران همواره زیستگاه اقوامی با فرهنگ‌های گوناگون بوده، لذا حفظ و تداوم انسجام اجتماعی و وحدت ملی به‌عنوان یک هدف، مورد توجه اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی است. آنچه واگرایی اقوام را فراهم می‌سازد عدم توزیع برابر فرصت‌ها و امکانات اجتماعی است که منجر به ظهور احساس تبعیض می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف اصلی تعیین سطح جنبه‌های شناختی، احساسی و رفتاری ابعاد هویت جمعی جوانان کرد قوم کرمانج شهرستان‌های استان خراسان شمالی و نیز تعیین نقش احساس تبعیض قومی اعم از توزیعی، رویه‌ای و تعاملی در هریک از این ابعاد در سال ۱۳۹۹ به انجام رسید. روش تحقیق پیمایش و ابزار کار پرسشنامه بوده است. حجم نمونه بر اساس جدول کریجگی و مورگان ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. اعتبار گویه‌ها از طریق اعتبار صوری و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج نشانگر ارتباط معنادار بین احساس تبعیض قومی و ابعاد هویت فرو ملی و ملی جوانان قوم کرد کرمانج است. یافته‌های پژوهش نشان داد که احساس تبعیض بیشترین تأثیر منفی را بر هویت دینی و سپس هویت ملی در هر سه جنبه شناختی، رفتاری و احساسی دارد و کمترین تأثیر را بر هویت طبقاتی می‌گذارد. درحالی‌که احساس تبعیض در هویت فراملی اثر معناداری ندارد. از سه جنبه مطرح (شناختی، رفتاری و احساسی) در همه مؤلفه‌ها جنبه احساسی (تعهد) بیشترین سهم را داراست و در میان ابعاد تبعیض قومی، بعد تعاملی بیشترین تأثیر را دارد. از آنجا که بعد تعاملی تبعیض قومی تحت تأثیر تبعیض توزیعی و رویه‌ای است. بنابراین برای تقویت هویت جمعی و رفع تبعیض، آگاه‌سازی، تبلیغ، اقناع و توزیع عادلانه و برابر فرصت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها جهت اعتمادسازی ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: هویت جمعی، هویت ملی، هویت قومی، احساس تبعیض.

^۱ دانشجوی مقطع دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ft134033@gmail.com

^۳ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله:

هویت^۱ به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی انسان، عمری به درازای گروه‌های انسانی دارد. ولی بحث درباره هویت و تبدیل شدن آن به یک مسئله، محصول دوران مدرن است. پیشرفت و توسعه در عرصه ارتباطات و اطلاعات به‌طور یقین الگوهای زندگی، ارزش‌ها و هنجارهای مردم جوامع را دچار دگرگونی کرده است و این تغییرات به چالش افتادن هویت جمعی در جوامع مختلف را به دنبال داشته است. هویت انسان، در جوامع سنتی و ماقبل مدرن، به دلیل مرجعیت دین و هنجارهای دینی، هویتی مذهبی و دینی بود، درحالی‌که هویت انسان امروزی، مرکب، چندمرکزی و متکثر است و در واقع امروزه ما با نوعی پلورالیسم^۲ هویتی روبرو هستیم.

«همچنین، "هنگامی که درباره چندوجهی بودن هویت صحبت می‌شود، این سؤال به ذهن می‌آید که این وجوه مختلف چه هستند و چه رابطه‌ای باهم دارند. هویت جنسیتی، احساسی سازمان‌دهی شده از سوی محیط فرهنگی، درباره مرد یا زن بودن فرد می‌باشد که به‌واسطه فرآیند جامعه‌پذیری یاد گرفته و تقویت می‌گردد. هویت طبقاتی، از احساس مشترک گروهی از افراد که به‌واسطه وضعیت اقتصادی، فرهنگی و قدرت مشابهشان حاصل می‌شود و باعث آگاهی طبقاتی و جهت‌دهی کنش‌هایشان می‌گردد. احساس تعلق و دل‌بستگی به گروه خانواده نیز، بر پایه مشترکات انتسابی و نیز ارضای نیازهای جسمانی، عاطفی، اقتصادی، عقلانی و.... نیز نقش‌های درون خانواده و مشارکت در گروه‌های وابسته به خانواده نیز هویت خانوادگی محسوب می‌گردد» (نعیمی، ۱۳۹۱: ۶).

از این رو به‌عنوان کشوری کثیرالاقوام همواره انسجام و وحدت ملی یک هدف راهبردی برای سیاست‌گذاران جامعه و مطالعات پیرامون این موضوع دارای اهمیت بوده است. در این مطالعه، توجه ما بیشتر بر تأثیر احساس تبعیض قومی بر ابعاد ملی و فراملی هویت است. فرض آن است که در جامعه‌ای که احساس عدالت در ابعاد مختلف نظام اجتماعی حاکم نباشد و یا احساس افراد بر عدم وجود عدالت دلالت کند، هویت جمعی در همه اجزاء آن تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

بحران هویت که در انسجام و وحدت یک جامعه اثر منفی دارد، از مهم‌ترین مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع از جمله ایران است. در اینجا هویت جمعی جوانان به‌طور خاص مورد توجه است خصوصاً که این جوانان از قومی باشند که دارای گستردگی این قومیت در جوامع پیرامونی باشد.

۱. identity

۲. pluralism

ذهنیت افراد انعکاسی از عالم واقع می‌باشد. احساس تبعیض وعدم برابری در میان اقوام، تقلیل هویت ملی و مدنی را به دنبال دارد که نتیجه آن بی‌ثباتی سیاسی و بحران اجتماعی خواهد بود. در ایران اقوام کردی هستند که هریک با داشتن زبان و دینی متفاوت، محیط‌زیست، محیط اجتماعی و محل زندگی متفاوت، رابطه‌ی منحصر به فردی را با دولت مرکزی و در نتیجه بقیه اقوام ایجاد می‌کنند. گروه‌های قومی با توجه به شرایط ویژه‌ای که طی آن خود و هویت قومی و ملی خود را تعریف می‌کنند، میزان تعلق ملی‌شان متفاوت است و به همان نسبت هم خواسته‌ها و تحرکات قومی متفاوتی دارند. به همین دلیل هم محقق بر آن است ضمن بررسی تعلق ملی آن‌ها، به شناخت آن‌ها از خود و دیگری، هویت قومی و هویت ملی پی ببرد.

احساس تبعیض قومی نه تنها می‌تواند منجر به کاهش عدم انسجام و همبستگی شود بلکه می‌تواند زمینه‌ساز قیام‌ها و شورش‌های قومی باشد. دل‌بستگی‌های افراد به منابع هویت‌سازی همچون طبقه و گروه‌های قومی برخلاف هویت‌های سطح کلان در بطن زندگی روزمره و کنش‌های اجتماعی افراد جریان دارند، علاوه بر این، با توجه به جریان جدایی‌طلبی کردهای کردستان عراق و برگزاری انتخابات جدایی‌اکراد عراق، در برنامه تلویزیونی خود و در نقشه سیاسی طراحی شده، مناطق کردنشین کشورهای ترکیه و ایران از جمله قوم کرمانج را به عنوان کشور کردستان به تصویر کشیده‌اند اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را نشان می‌دهد چرا که بی‌توجهی به احساس تبعیض و هویت جمعی جوانان این قوم، واگرایی وعدم انسجام قوم کرمانج را می‌تواند به همراه داشته باشد. استان خراسان شمالی، از منظر اجتماعی و جغرافیایی ترکیب نامتوازنی دارد. در این استان پنج قوم کرد (کرمانج)، ترک، ترکمن، تات و بلوچ با دو مذهب شیعه و اهل سنت به‌طور مشخص زندگی می‌کنند. ایجاد فرقه‌های مذهبی، قومی و زبانی، حرکت‌ها و جنبش‌های طبقاتی و جنسیتی، نشانگر تعلق افراد به منابع هویت‌سازی همچون قومیت، طبقه، جنسیت و خانواده است که در بطن جامعه و کنش‌های اجتماعی افراد ساری و جاری است. از این رو، پژوهش در زمینه‌های فرو ملی هویت جمعی در عصر حاضر لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

انجام پژوهش حاضر، با محتوای تعیین تأثیر احساس تبعیض قومی در تعامل با ابعاد خانوادگی، جنسیتی، طبقاتی و قومیتی، و ملی و فراملی هویت جمعی جوانان قوم کرمانج، قصد کاهش و رفع نواقص پژوهش‌های پیشینی را دارد که اولاً تنها به مطالعه ابعاد کلان هویت جمعی پرداخته و به نقش ابعاد خردی همچون، جنس، طبقه، قوم و... رابطه آن با هویت جمعی نپرداخته‌اند و ثانیاً به پدیده هویت جمعی به صورت تک‌بعدی نگریسته‌اند.

محور اصلی این پژوهش، تعیین تأثیر متغیر مستقل احساس تبعیض قومی در ابعاد شناختی، رفتاری و احساسی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت جمعی است و سؤال اصلی تحقیق این است که آیا تبعیض (رویه‌ای، توزیعی و تعاملی) قومی در ابعاد (شناختی، رفتاری و احساسی) مؤلفه‌های فراملی، ملی، فرو ملی (جنسیتی، خانوادگی، طبقاتی

و دینی) هویت جمعی جوانان قوم کرمانج تأثیرگذار هستند؟

پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش صفا و همکاران (۱۴۰۰)، نشان می‌دهد که، «در ارتباط بین احساس تبعیض و سطوح هویت جمعی، احساس تبعیض بیشترین تأثیر را بر متغیرهای هویت دینی و سپس هویت ملی در هر سه جنبه شناختی، رفتاری و احساسی دارد و کمترین تأثیر را بر هویت طبقاتی می‌گذارد. درحالی‌که احساس تبعیض بر هویت فراملی اثر معناداری ندارد. در این میان باید اشاره کرد با اطمینان ۰/۹۵ ابعاد تبعیض (رویه‌ای، توزیعی و تعاملی) در جنبه‌های (شناختی، رفتاری و احساسی) ابعاد هویت جمعی (خانوادگی، طبقاتی، دینی، ملی و فراملی) تأثیرگذار هستند؛ از سه جنبه مطرح (شناختی، رفتاری و احساسی) در همه مؤلفه‌ها جنبه احساسی (تعهد) بیشترین سهم را داراست و در میان ابعاد تبعیض، بعد توزیعی بیشترین تأثیر را دارد؛ بنابراین برای تقویت هویت جمعی، توزیع عادلانه و برابر فرصت‌ها ضروری به نظر می‌رسد».

نتایج پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۹)، با عنوان، بررسی جامعه‌شناختی تأثیر احساس تبعیض بر اعتماد اجتماعی اقلیت‌های دینی (مورد مطالعه: زرتشتیان ساکن در شهر تهران)، نشان می‌دهد که، میزان اعتماد اجتماعی ۲۰/۹ درصد پاسخگویان در سطح پایین، ۵۲/۴ درصد در سطح متوسط و ۲۶/۷ درصد بالا قرار دارد. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در جامعه زرتشتیان شهر تهران، ویژگی‌های فردی پاسخگویان بر میزان اعتماد اجتماعی آنان مؤثر نبوده؛ اما متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس تبعیض بر میزان اعتماد اجتماعی زرتشتیان مؤثر بوده‌اند.

بر اساس نتایج پژوهش حلیمی جلودار و حسینی بیجی کلا (۱۳۹۹)، با عنوان، تأثیر سرمایه‌های اجتماعی (جوانان بومی قوم ترک و کرد) بر هویت ملی با تأکید بر شاخص‌های هویت ملی از نگاه امام خمینی (ره)، بین متغیرهای انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و هویت ملی جوانان ترک و کرد رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد و با افزایش سرمایه اجتماعی، احراز هویت ملی افزایش می‌یابد. بر اساس نتایج پژوهش بهشتی و حق مرادی (۱۳۹۶)، با عنوان «احساس تعلق به ایران در میان اقوام ایرانی» تمامی اقوام، احساس تعلق زیادی به ایران دارند و آنچه در برخی اقوام نظیر اعراب و کردهای اهل تسنن، میزان این تعلق را کاهش می‌دهد احساس نابرابری و مشارکت کم آن‌ها در قدرت سیاسی و نیز سهم نامناسب آن‌ها از توسعه‌یافتگی در مقایسه با سایر اقوام است. احساس تعلق زیاد قوم بلوچ سنی نسبت به ایران در بسیاری از شاخص‌های مطالعه شده این تحقیق، درخور توجه است. نتایج پژوهش نواح و همکاران (۱۳۹۵)، با عنوان، «قومیت و احساس طرد اجتماعی، مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه، قوم عرب شهرستان اهواز)»، نشان می‌دهد که، ارتباط معناداری بین سن، جنس و

تحصیلات با احساس طرد اجتماعی وجود دارد. متغیرهای جامعه‌پذیری، همبستگی و هنجارهای قومی با متغیر ملاک ارتباط معکوس و معنادار هست. به علاوه متغیر تبعیض قومی با احساس طرد اجتماعی رابطه مستقیم و معنادار دارد. رفیعی و حبیب زاده (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان، بررسی عوامل مؤثر بر هویت جمعی (محلی، ملی و جهانی) شهروندان گیلک، به این نتایج دست یافتند که، میزان گرایش پاسخ‌گویان به هویت محلی، ملی و جهانی در سطح متوسط و بالایی است. همچنین شهروندان به ترتیب اولویت به هویت محلی، ملی و هویت جهانی گرایش دارند. نعیمی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «هویت جمعی جوانان و برساخت جامعه‌پذیری جنسیتی، خانوادگی و طبقاتی» که بر روی جوانان ۱۵-۲۹ ساله استان گلستان در سال ۱۳۹۱ صورت پذیرفته است نشان داد که ابعاد فرو ملی هویت جمعی در هر سه جنبه شناختی، احساسی و رفتاری از برجستگی بالاتری نسبت به ابعاد ملی و فراملی برخوردار بودند. همانند آنچه در این پژوهش بدست آمد. همچنین در مقایسه ابعاد فرو ملی هویت جمعی با یکدیگر مشخص شد در جنبه شناختی، هویت جنسیتی و خانوادگی برجسته‌تر از هویت طبقاتی، در جنبه احساسی، هویت خانوادگی برجسته‌تر از هویت‌های جنسیتی و طبقاتی و در جنبه رفتاری، هویت جنسیتی برجسته‌تر از هویت‌های خانوادگی و طبقاتی بود. دیپلت^۱ و دیگران (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان، هویت قومی در زمینه تبعیض قومی: چه زمانی جنسیت، خطر بروز علائم افسردگی را برای بزرگسالان جوان مهاجر افزایش می‌دهد؟ معتقدند که تبعیض قومی خطر ابتلا به علائم افسردگی را افزایش می‌دهد. علائم افسردگی مشروط به جهت‌گیری گروهی و جنسیت است.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که می‌بایست تحقیقات و تألیفات متعددی در جهت شناخت ابعاد هویت جمعی انجام داد تا بتوان قالب جدیدی از تعامل میان آن‌ها فراهم آورد. نظیر پژوهش‌هایی که صفا و همکاران (۱۴۰۰) و هاشمی و همکاران انجام داده‌اند. در مقایسه با موضوع و یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین، علی‌رغم برخورداری از جنبه‌های علمی و یافته‌های جدید به پدیده هویت جمعی بدون توجه به ابعاد آن پرداخته‌اند و یا تنها بر روی یکی از ابعاد هویتی متمرکز شده‌اند. این پژوهش، به بررسی تأثیر احساس تبعیض قومی در هویت جمعی جوانان کرد کرمانج خراسان شمالی، با هدف تعیین سطح جنبه‌های شناختی، احساسی و رفتاری ابعاد هویت جمعی جوانان کرد قوم کرمانج شهرستان‌های استان خراسان شمالی و نیز تعیین نقش احساس تبعیض قومی اعم از توزیعی، رویه‌ای و تعاملی در هریک از این ابعاد در سال ۱۳۹۹ به انجام رسید.

^۱ Thibeault

۱. مبانی نظری

«مسئله هویت دیرزمانی است که در کانون توجه اندیشمندان و محققان جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی قرار گرفته است. اینان بر این باورند آنچه امروز «هویت» می‌خوانیم، پس از آنکه در قرن بیستم جامعه در مقیاس وسیع سر برآورد، با تغییرات اجتماعی و تاریخی همراه شد و زندگی گروهی در جوامع سنتی رو به افول نهاد، تبدیل به مسئله شد. در "جوامع سنتی" هویت شخصی در پناه هویت اجتماعی^۱ است و افراد بر اساس ویژگی‌های انتسابی، آن را کسب می‌کردند. هویت در جوامع سنتی مبتنی بر تاریخ گذشته است و از طریق نوعی نظم معنایی یکپارچه‌ساز که همه گروه‌های متفاوت جامعه را در برمی‌گیرد، به یکپارچگی می‌رسند. این نظم معنایی عمدتاً نظم دینی است. به عبارتی، در جوامع سنتی حوزه‌های تکوین هویت شامل خانواده، دین و محل کار بود. بر این اساس، متفکران آن دوره، سوژه را برخوردار از هویتی منسجم می‌دانستند. آنان از سوژه‌های عاقل، آگاه و مقتدر سخن می‌گویند و آن را دارای هویتی می‌دانند که یکسان و پایدار می‌ماند» (نیازی و افرا، ۱۳۹۷: ۳۲).

«به عقیده‌ی مانوئل کاستلز^۲، هویت سرچشمه‌ی معنا و تجربه برای مردم است. برداشت کاستلز از اصطلاح هویت عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به‌هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع دیگر اولویت داده می‌شود.» (کاستلز، ۲۰۰۹: ۱۱۵). «در تبیین هویت جمعی که از برساخت هویت‌های فروملی (جنسیتی، خانوادگی، طبقاتی، دینی، قومی) و هویت‌های ملی و فراملی شکل می‌گیرد با نظریه‌هایی در سطح کلان، خرد و کلان-خرد روبه‌رو هستیم. دیدگاه‌های شناختی و معرفتی که هر نوع اثرگذاری بیرونی یا اثر بین فردی از خلال صافی درون و فرآیندهای درون فردی عمل می‌کند» (توسلی، ۱۳۹۱: ۶۵). در گروه تبیین‌های خرد هویت جمعی قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های اجتماعی هم به عوامل کلان و هم نقش واسطه‌ای فرد و فرایندهای بین فردی پرداخته‌اند. در دیدگاه‌های اجتماعی، "خود"، "خویشتن" و "هویت جمعی" در معنای نزدیک به هم استفاده شده است. تاجفل^۳ هویت را عبارت از یک «خود» مفهومی ناشی از عضویت درون‌گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضای می‌داند که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و هم‌چنین موجب می‌شود که خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی وابسته به گروه خود، معرفی کند.

گیدنز نیز در تعریف «هویت خود» بر خصالت متمایزی که شخص برحسب زندگینامه‌اش به‌طور بازتابی (انعکاسی) می‌فهمد، تأکید دارد که به نظر می‌رسد برداشت دقیق و ظریفی از رابطه فرد و جامعه باشد. هویت افراد

^۱ social identity

^۲ Manuel Castells

^۳ Tajfel

بر اساس عوامل مختلفی، همچون خودآگاهی و همچنین شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی زمانی و مکانی شکل می‌گیرد. به‌زعم گیدنز فرآیند ساخت‌یابی هویت فرد از طریق عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی (انعکاسی) بودن عملکردها، عقلانیت، خودآگاهی فرد و عقلانیت و بازاندیشی آن صورت می‌گیرد خصوصاً در عصر جدید که نهادهای امروزی هم حضور دارند بستر هویت‌سازی دگرگون می‌شود و به‌صورت پروژه‌ای انعطاف‌پذیر درمی‌آید.

بر اساس نظریات دارندورف^۱ باید فرد و جامعه را برای تحلیل باهم در نظر گرفت. بر طبق این دیدگاه یک مقوله بنیادی (انسان اجتماعی) شکل می‌گیرد که در آن فرد و جامعه هم‌زمان و به‌گونه‌ای باواسطه یکدیگر در آن ظهور می‌کنند و انسان به‌عنوان حامل نقش‌های اجتماعی از پیش شکل گرفته است، اما از سوی دیگر این نقش‌ها همان موقعیت آزارنده جامعه هستند. هابرماس^۲، هویت، را فرآیندی تاریخی در نظر می‌گیرد که به‌صورت هویت قومی، فراقومی یا سنتی و اخلاق قابل تمییز است.

نظریه‌ی کنش متقابل نمادین، بیش از دیگر دیدگاه‌ها مسئله هویت و شکل‌گیری آن را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است. همچنین بر پایه پیش‌فرض بنیادی نظریه کنش متقابل نمادین، مبنی بر امکان شکل‌گیری «خود» های متنوع، به این نکته کلیدی توجه می‌شود که هویت‌های جمعی در هر جامعه‌ای از منابع مختلف تغذیه می‌شوند و نوع این منابع هویت‌بخش یا هویت‌ساز بنا بر شرایط تاریخی، محیط جغرافیایی، فرآیندهای جامعه‌پذیری، گفتمان‌های قدرت، روابط اجتماعی، رسانه‌ها، سیاست فرهنگی و... تعیین و مشخص می‌شود. دیگر آن‌که چون منابع هویت‌ساز متعددند، هویت یکپارچه یا تک‌بعدی محقق نمی‌شود بلکه تحت تأثیر هرکدام از جریان‌های هویتی خاص، شاکله هویت کنشگران سازمان‌دهی می‌شود. نهایتاً آن‌که چون این فرآیند به‌صورت تدریجی رخ می‌دهد، کنشگران میان این منابع متعدد هویتی خودسازگاری و انطباق ایجاد می‌کنند.

لازم به یادآوری است که در بخش جنسیتی و خانوادگی از رویکرد ساختی کارکردی برای تبیین شکل‌گیری این ابعاد از هویت جمعی و در بخش طبقاتی از رویکردهایی همچون مارکس، ماکس وبر و ویلن استفاده شده است. با تمسک به آرایه‌ی که مطرح شد شکل تعامل جوانان کرد قوم کرمانج با دیگر اقوام منطقه در تجربه احساس عدالت تا تبعیض در سه حالت توزیعی، رویه‌ای و تعاملی در هر یک از ابعاد هویت ملی، این جوانان به این‌که خود را متعلق به یک ملت بدانند تأثیر دارد.

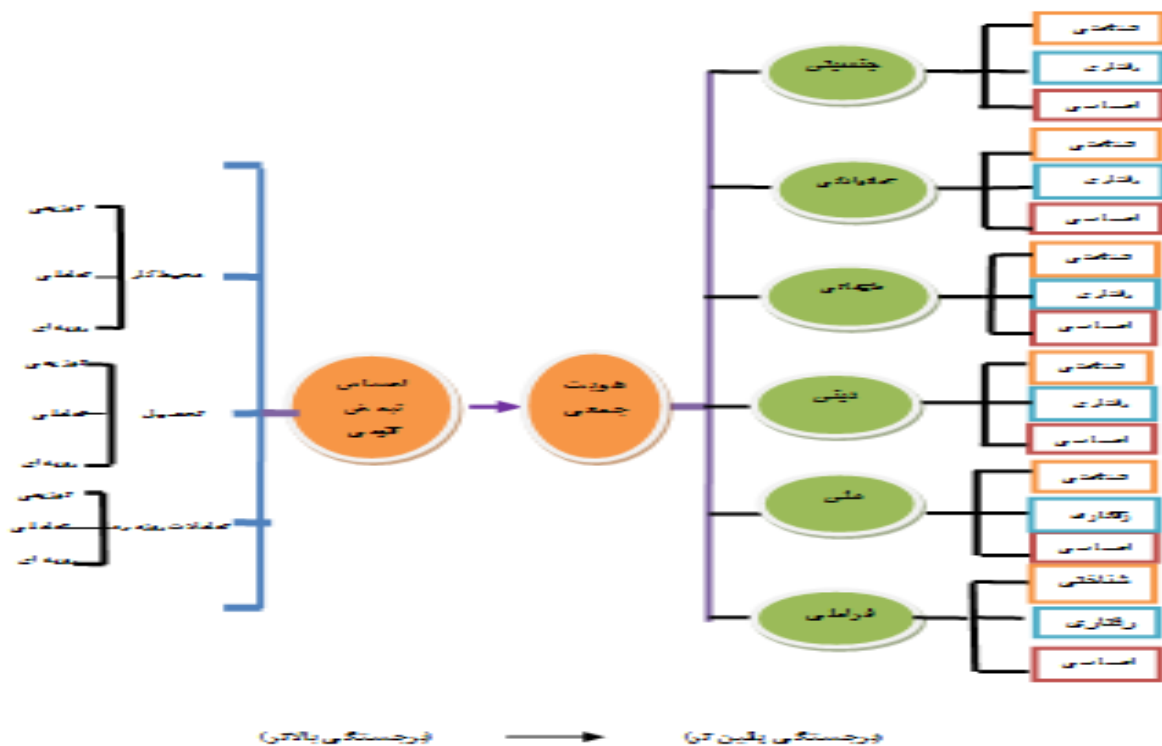
فرضیه اصلی عبارت است از: به‌نظر می‌رسد تبعیض قومی (رویه‌ای، توزیعی و تعاملی) در جنبه‌های (شناختی، رفتاری و احساسی) هویت جمعی (ملی و فرو ملی) در سه سطح شناختی، احساسی و رفتاری تأثیرگذار هستند. و

۵. Ralf Gustav Dahrendorf

۶. Habermas

فرضیه‌های فرعی نیز عبارت است از: ۱- به نظر می‌رسد احساس تبعیض توزیعی قومی در ابعاد (شناختی، احساسی و رفتاری) مؤلفه‌های ملی و فرو ملی (جنسیتی، خانوادگی، طبقاتی و دینی) هویت جمعی جوانان قوم کرمانج تأثیر منفی دارد. ۲- به نظر می‌رسد تبعیض رویه‌ای قومی در ابعاد (شناختی، احساسی و رفتاری) مؤلفه‌های ملی و فرو ملی (جنسیتی، خانوادگی، طبقاتی و دینی) هویت جمعی جوانان قوم کرمانج تأثیر منفی دارد. ۳- به نظر می‌رسد احساس تبعیض تعاملی قومی در ابعاد (شناختی، احساسی و رفتاری) مؤلفه‌های ملی و فرو ملی (جنسیتی، خانوادگی، طبقاتی و دینی) هویت جمعی جوانان قوم کرمانج تأثیر منفی دارد.

مدل تحقیق



۲. روش‌شناسی تحقیق

رویکرد اصلی تحقیق حاضر، پوزیتیویستی است و روش تحقیق پیمایش از نوع توصیفی و تبیینی است. محقق در این تحقیق، جهت مشخص نمودن ابعاد هویت ملی پس از کمی و ویرایش از پرسشنامه محقق ساخته آقای محمدرضا نعیمی در رساله ایشان با عنوان (هویت جمعی جوانان و برساخت جامعه‌پذیری جنسیتی، خانوادگی و طبقاتی (مطالعه موردی جوانان ۲۹-۱۵ ساله استان گلستان در سال ۱۳۹۱) بهره برده است و همچنین در جهت نشان دادن وجود یا عدم احساس تبعیض در قوم کرمانج، از یک پرسشنامه استاندارد که ترجمه‌شده به فارسی و مرجع مقیاس برونولو، کلی ک.پ.کاکلی، گوردون ت. تامپسون، لوی، کنترادات (۲۰۰۵) است. را پس از تغییراتی به سه بخش

تبعیض در محل کار، تبعیض در محل تحصیل و تبعیض در تعاملات روزمره تقسیم کرده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه جوانان ۱۵ تا ۳۰ ساله استان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۸ می‌باشند که تعداد آن‌ها برابر آمار اخذشده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، برابر ۱۲۴۸۱۳ نفر است. برآورد حجم نمونه برای جامعه مذکور بر اساس هر دو جدول بین ۳۸۳ و ۳۸۴ نفر است که در این تحقیق ۳۸۴ در نظر گرفته شده است. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که شهرهای استان خراسان شمالی شامل بجنورد، اسفراین، شیروان، مانه و سملقان، فاروج، جاجرم و رازوجرگلان به‌مثابه خوشه‌ها در نظر گرفته شد و نمونه‌های تحت بررسی در هر شهر متناسب با حجم جامعه، توزیع سنی و جنسی و محل سکونت به‌طور تصادفی انتخاب شدند. اعتبار گویه‌ها از طریق اعتبار صوری و از طریق ارجاع به تعدادی از محققانی که در این باره دارای تجربه هستند حاصل شده است و برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضرایب پایایی به دست آمده بر ای هریک از متغیرهای موردبررسی نشان از پایداری درونی بالا بین گویه‌ها دارد. برای تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و آزمون‌های ضریب همبستگی و تی و نرم‌افزارهای پیشرفته آماری SPSS و لیزرل انجام شده است. متغیر وابسته هویت ملی با ۱۱ گویه و هویت فرو ملی با ۷۹ و متغیر مستقل احساس تبعیض قومی با ۲۰ گویه در دامنه پنج گزینه‌ای طیف لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) سنجیده شده‌اند.

جدول ۱. آلفای کرونباخ

ابعاد هویت	شناختی	احساسی	رفتاری	کل
هویت فراملی	۰/۸۱۵	۰/۸۶۴	۰/۸۸۳	۰/۹۴۲
هویت ملی	۰/۹۳۷	۰/۹۱۷	۰/۹۲۸	۰/۹۷۳
هویت جنسی (مرد)	۰/۹۸۱	۰/۹۶۸	۰/۹۷۹	۰/۹۸۹
هویت جنسی (زن)	۰/۹۹۱	۰/۹۸۷	۰/۹۸۹	۰/۹۹۵
هویت خانوادگی (مرد)	۰/۶۸۹	۰/۹۹	۰/۹۹۳	۰/۹۴۴
هویت خانوادگی (زن)	۰/۹۹۳	۰/۸۵۹	۰/۸۶	۰/۹۱۸
هویت خانوادگی (فرزند)	۰/۷۶۸	۰/۸۶۶	۰/۸۸۶	۰/۹۳۵
هویت طبقاتی	۰/۹۴۸	۰/۹۳۷	۰/۹۳۵	۰/۹۷۷
هویت دینی	۰/۹۱۳	۰/۹۳۵	۰/۹۳۹	۰/۹۲۷
تبعیض در محیط کار	۰/۹۵۱			
تبعیض در محیط تحصیل	۰/۷۸۲			
تبعیض در تعاملات روزانه	۰/۹۳۱			

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

خصوصیات و ویژگی‌های فردی

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، ۳۸ درصد پاسخگویان را زنان و ۶۸ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین ۶۲ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۵-۲۰ ساله قرار دارند. بر اساس یافته‌های پژوهش، نزدیک به ۵۹ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی و ۴۱ درصد فاقد آن هستند. از نظر وضعیت تأهل، ۳۸ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۲ درصد متأهل‌اند. وضعیت فعالیت پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۴ درصد پاسخگویان شاغل و بقیه آن‌ها از نظر فعالیت بیکار، و یا به فعالیت‌هایی مانند خانه‌داری و تحصیلات مشغول هستند که از کسب درآمد در ازای انجام فعالیت بی‌بهره‌اند. لازم به ذکر است که بیشترین درصد شاغلین را فرهنگیان به خود اختصاص داده است. همچنین میانگین هزینه‌های خانواده در طول یک ماه بین پاسخگویان برابر ۳۳۰۳۲۶۳ تومان است. یافته‌ها حاکی از آن است که بیشتر پاسخگویان در منازل شخصی خود اقامت دارند و بالاترین میانگین اعضای خانواده ۴ نفر است.

یافته‌های حاصل از سنجش هویت خانوادگی حاکی از آن است که میانگین جنبه‌های سه‌گانه هویت خانوادگی در میان پاسخگویان از برجستگی بالایی برخوردار است هرچند که در هر سه جنبه میانگین هویت خانوادگی فرزند نسبت به پدر و مادر کمتر است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت طبقاتی در دو جنبه احساسی و رفتاری در حد متوسط است و جنبه شناختی آن نیز پایین‌تر از دیگر جنبه‌های ابعاد فرو ملی و ملی هویت جمعی است.

جدول ۲. میانگین ابعاد هویت جمعی جوانان در جنبه‌های سه‌گانه آن

ابعاد هویت جمعی		جنبه شناختی	جنبه احساسی	جنبه رفتاری
فراملی (جهانی)		۲/۶	۲/۴۹	۲/۱۶
ملی		۴/۰۲	۴	۳/۸۱
خانوادگی	مادر-همسر	۴/۳۲	۴/۱۲	۳/۹۳
	پدر-همسر	۴/۲۳	۴/۱۸	۴/۱۱
	فرزندان	۳/۹۳	۳/۸۴	۳/۷۵
کل پاسخگویان		۴/۱۶	۴/۰۶	۳/۹۶
جنسیتی	زنان	۳/۵۷	۳/۵۴	۳/۵۹
	مردان	۳/۶۶	۳/۴۲	۳/۳۶
	کل پاسخگویان	۳/۶۱	۳/۴۸	۳/۴۷
طبقاتی		۳/۰۱	۲/۷۹	۲/۶۴
دینی		۴/۲۶	۴/۱۹	۴/۰۳

میانگین مورد نظر بین اعداد ۱ تا ۵ در نوسان است (البته لازم به ذکر است که از درج میانگین مربوط به هر کدام از شهرستان‌ها به دلیل حجم بالا صرف نظر شده است تنها به مجموع نمرات در کل استان پرداخته شده است).

آماره‌های توصیفی متغیر تبعیض در محیط کار

نتیجه تجزیه و تحلیل توصیفی متغیر تبعیض در محیط کار در جدول زیر نشان داده شده است. در این جدول برای هر سطح میانگین بیان شده است. با توجه به کدگذاری انجام شده، (موافق نیستم کد ۱، خیلی کم موافق هستم کد ۲، کم موافق هستم کد ۳ و زیاد موافق هستم کد ۴ و خیلی زیاد موافق هستم کد ۵) هر چه مقدار میانگین به ۱ نزدیک باشد وضعیت متغیر نامناسب و در حد نامطلوب است و هر چه میانگین به عدد ۵ نزدیک باشد وضعیت متغیر مناسب و در حد مطلوب است. میانگین در بازه (۱-۲) خیلی کم، (۲-۳) کم، (۳-۴) زیاد، (۴-۵) خیلی زیاد تفسیر می‌شود.

جدول ۳. میانگین گویه‌های متغیر تبعیض در محیط کار

شهر	شهر					مجموع
	بجنورد	شیروان	مانده و سملقان	فاروج	اسفراین	
۱	۲/۲۲	۱/۰۹	۱/۸	۲/۶۱	۲/۱۴	۲/۰۶
۲	۲/۴۲	۱/۱۲	۲/۵۷	۳	۲/۷۱	۲/۴۵
۳	۲/۳۲	۱/۳۳	۲/۵	۲/۶۴	۲/۶۳	۲/۳۶
۴	۲/۲۳	۱/۱۵	۲/۴۷	۲/۸۶	۲/۴۷	۲/۲۹
۵	۲/۴۸	۱/۳۳	۲/۴۷	۲/۷۱	۲/۵۶	۲/۳۹
۶	۲/۱۸	۱/۰۳	۲/۱۷	۲/۳۵	۲/۴۵	۲/۱۴
۷	۲/۴۳	۱/۱۸	۱/۸۵	۲/۷۱	۲/۲۷	۲/۱۷
۸	۲/۶۴	۱/۱۸	۱/۹۲	۲/۸۲	۲/۳۱	۲/۲۷
۹	۲/۴۷	۱/۲۴	۱/۸۹	۲/۶۷	۲/۳۹	۲/۲۲
۱۰	۲/۴	۱/۳۳	۲/۶	۲/۹۱	۲/۷	۲/۴۵
۱۱	۲/۳۶	۱/۲۱	۲/۲	۲/۶۹	۲/۴۳	۲/۲۵

۲/۱۸	۲/۳۳	۲/۵۲	۱/۹	۱/۲۱	۲/۴۶	۱۲	وقتی تصمیماتی در مورد شغلم می‌گیرم مدیر من با مهربانی و ملاحظت رفتار نمی‌کند
۲/۱۴	۲/۴۳	۲/۴۵	۱/۸۷	۱/۱۵	۲/۳	۱۳	وقتی تصمیماتی در مورد شغلم می‌گیرم مدیر من با احترام و شایستگی با من رفتار نمی‌کند
۲/۲	۲/۳۷	۲/۵۴	۱/۰۷	۱/۱۲	۲/۴۳	۱۴	وقتی تصمیماتی در مورد شغلم می‌گیرم مدیر نسبت به نیازهای شخصی من حساسیت نشان نمی‌دهد
۲/۰۱	۲/۲۹	۲/۲۹	۱/۷۵	۱/۱۲	۲/۱۶	۱۵	وقتی تصمیماتی در مورد شغلم می‌گیرم مدیر به نحو صادقانه‌ای با من برخورد نمی‌کند
۲/۱۴	۲/۲۱	۲/۵۸	۱/۹۲	۱/۱۵	۲/۴۷	۱۶	وقتی تصمیماتی در مورد شغلم می‌گیرم مدیر به حقوق من به‌عنوان یک کارکن علاقه نشان نمی‌دهد
۲/۰۲	۲/۲۲	۲/۲۹	۱/۶۵	۱/۱۵	۲/۳۳	۱۷	مدیر در خصوص تصمیمات اتخاذ شده در مورد شغلم با من بحث و گفتگو نمی‌کند
۲/۱۳	۲/۴۶	۲/۳۲	۱/۷	۱/۱۸	۲/۴۱	۱۸	مدیر در خصوص تصمیمات اتخاذ شده در مورد شغلم توجه کافی ارائه نمی‌کند
۲/۰۴	۲/۳۴	۲/۲۹	۱/۶۵	۱/۲۱	۲/۲۴	۱۹	مدیر در خصوص تصمیمات اتخاذ شده در مورد شغلم توضیحات قابل قبول ارائه نمی‌کند

آماره‌های توصیفی متغیر احساس تبعیض در محیط تحصیل

جدول ۴. میانگین گویه‌های متغیر احساس تبعیض در محیط تحصیل

شهر						
بجنورد	شیروان	مانده و سملقان	فاروج	اسفراین	مجموع	
۲/۵۵	۱/۳۹	۲/۱۵	۲/۰۶	۲/۵۲	۲/۲۹	۱
۲/۵۶	۱/۶۹	۲/۲۹	۲/۱۳	۲/۸۱	۲/۴۳	۲
۲/۶۷	۱/۸۲	۲/۱۶	۲/۱۳	۲/۷۷	۲/۴۳	۳
۲/۳۶	۱/۶	۲/۲۶	۲/۰۴	۲/۵۲	۲/۲۷	۴
۲/۱۱	۱/۳۴	۱/۹۴	۲	۲/۱۷	۲/۰۱	۵
۱/۹۱	۱/۳	۱/۷۴	۱/۶۶	۲/۰۵	۱/۸۲	۶
۲/۳۶	۲/۰۸	۱/۸۷	۲/۴۳	۲/۴۳	۲/۲۷	۷
۱/۹	۱/۱۷	۱/۸۵	۱/۷۶	۲/۱۵	۱/۸۸	۸

۱/۹۷	۲/۳	۱/۸۲	۱/۸۷	۱/۴۷	۱/۹۴	به حقوق فردی و جمعی من توجه نمی‌شود	۹
۱/۷۱	۲/۵	۲/۹۴	۱/۹۱	۱/۶۴	۲/۰۷	برخورد صادقانه با من نمی‌شود	۱۰
۱/۸۸	۲/۰۷	۲/۰۵	۱/۷۳	۱/۰۴	۲/۰۳	با احترام با من رفتار نمی‌شود	۱۱
۱/۸۱	۱/۹۴	۱/۷۲	۱/۵۴	۱/۲۲	۲/۱۲	کرامت انسانی من زیر سؤال است	۱۲

آماره‌های توصیفی متغیر احساس تبعیض در تعاملات روزمره

جدول ۵. میانگین گویه‌های متغیر احساس تبعیض در تعاملات روزمره

شهر								
مجموع	اسفراین	فاروج	مانسره و سملقان	شیروان	بجنورد			
۱/۶۹	۱/۷۸	۱/۷	۱/۶	۱/۴۶	۱/۸۵	دیگران فکر می‌کنند که من نمی‌توانم کاری انجام دهم یا کاری را اداره کنم	۱	
۱/۶۴	۱/۷۸	۱/۸۵	۱/۵۲	۱/۲۹	۱/۸۲	مورد تهدید دیگران قرار گرفته‌ام	۲	
۱/۸۱	۱/۹۳	۱/۹۵	۱/۵۸	۱/۴۷	۲/۰۹	مورد آسیب از طرف دیگران قرار گرفته‌ام	۳	
۱/۸۷	۱/۷۷	۲	۱/۶۴	۱/۹۱	۲/۰۶	اموالم مورد آسیب قرار گرفته است	۴	
۱/۶۹	۱/۸	۱/۹۵	۱/۵۵	۱/۳۶	۱/۸۸	در تعاملاتم با دیگران احساس بیگانگی می‌کنم	۵	
۱/۶۱	۱/۷۸	۱/۸۵	۱/۴۷	۱/۱۵	۱/۸۶	دیگران مرا فردی قابل اعتماد نمی‌دانند	۶	
۲/۱۹	۲/۲۷	۲/۷۸	۱/۸	۲/۲۶	۲/۱۶	دیگران در ظاهر با من خوب‌اند	۷	
۱/۶۹	۱/۸۸	۲/۰۵	۱/۵۹	۱/۳۱	۱/۸	زبان صحبت کردنم در من احساس بیگانگی به وجود می‌آورد	۸	
۱/۶۷	۱/۸۸	۱/۷۵	۱/۷۲	۱/۱۳	۱/۹	مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرم	۹	

یافته‌های استنباطی

آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش

جدول ۶. آزمون کلموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش

متغیر	آماره K.S	سطح معنی داری	توزیع نرمال
احساس تبعیض قومی	۰/۷۵۴	۰/۶۲۱	دارد
هویت جمعی جوانان	۰/۷۹۵	۰/۵۵۲	دارد
هویت جنسیتی	۰/۶۸۳	۰/۷۳۹	دارد
هویت خانوادگی	۰/۸۸۸	۰/۴۱	دارد
هویت طبقاتی	۰/۵۷۱	۰/۹	دارد
هویت قومی	۰/۹۳۶	۰/۳۴۵	دارد
هویت دینی	۱/۱۷۸	۰/۱۲۴	دارد
هویت ملی	۰/۷۳	۰/۶۶۱	دارد
هویت فراملی	۰/۶۵	۰/۷۹۲	دارد

همان‌طور که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، مقدار سطح معنی داری متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر با اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت توزیع داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق

جهت سنجش وضعیت موجود مؤلفه‌ها از آزمون t استفاده شده است که خروجی نرم‌افزار SPSS در جداول مربوطه منعکس شده است. به‌طور کلی جهت مقایسه میانگین نمره پاسخ‌دهندگان در هر متغیر با حد متوسط پرسشنامه می‌توان از آزمون آماری t یا Z استفاده کرد. در صورتی که تفاوت بین میانگین محاسبه شده و حد متوسط پرسشنامه مثبت بوده و آزمون Z حداقل در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0.05$) معنی دار باشد، در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت موجود شاخص‌های مورد بحث مثبت است و یا به عبارتی اندازه وضع موجود موضوع مورد بررسی در حد مطلوبی است. اما چنانچه میانگین محاسبه شده کمتر از حد متوسط باشد حاکی از منفی بودن وضعیت است و یا به عبارتی پاسخ‌دهندگان میزان وضعیت موجود شاخص‌های مورد بحث کم می‌دانند. رد فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد نیز به معنی آن است که اندازه وضعیت موجود شاخص‌های مورد بحث از لحاظ آماری معنی دار است.

الف-احساس تبعیض

با توجه به جدول میانگین مؤلفه‌های احساس تبعیض قومی مشاهده می‌شود سطح احساس تبعیض در محیط کار

برای شهروندان ساکن شهر بجنورد برابر (۲/۴۴)، شیروان (۱/۱۴)، مانه و سملقان (۲/۱۶)، فاروج (۲/۴۹)، اسفراین (۲/۳) و در مجموع سطح احساس تبعیض در محیط کار برای کل اعضای نمونه برابر (۲/۱۸) می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود سطح احساس تبعیض کمتر از حد متوسط است. کمترین احساس تبعیض در محیط کار مربوط به شهر شیروان و بیشترین احساس تبعیض مربوط به شهر فاروج است.

سطح احساس تبعیض در محیط تحصیل برای شهروندان ساکن شهر بجنورد برابر (۲/۳۵)، شیروان (۱/۶۹)، مانه و سملقان (۲/۰۱)، فاروج (۳/۶۴)، اسفراین (۳/۱۸) و در مجموع سطح احساس تبعیض در محیط تحصیل برای کل اعضای نمونه برابر (۲/۲۴) می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود سطح احساس تبعیض در محیط تحصیل برای شهرهای بجنورد، شیروان، مانه و سملقان کمتر از حد متوسط است و برای شهر اسفراین فاروج در حد متوسط است. در مجموع برای کل اعضای نمونه کمتر از حد متوسط است. کمترین احساس تبعیض در محیط تحصیل مربوط به شهر شیروان و بیشترین احساس تبعیض در محیط تحصیل مربوط به شهر فاروج است.

سطح احساس تبعیض در تعاملات روزمره برای شهروندان ساکن شهر بجنورد برابر (۱/۹۳)، شیروان (۱/۴۸)، مانه و سملقان (۱/۶۱)، فاروج (۱/۹۸)، اسفراین (۱/۸۸) و در مجموع سطح احساس تبعیض در تعاملات روزمره برای کل اعضای نمونه برابر (۱/۷۶) می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود سطح احساس تبعیض در تعاملات روزمره کمتر از حد متوسط است. کمترین احساس تبعیض در تعاملات روزمره مربوط به شهر شیروان و بیشترین احساس تبعیض در تعاملات روزمره مربوط به شهر فاروج است.

سطح احساس تبعیض برای شهروندان ساکن شهر بجنورد برابر (۲/۱۴)، شیروان (۱/۴۳)، مانه و سملقان (۱/۸۸)، فاروج (۲/۲۲)، اسفراین (۲/۲۱) و در مجموع سطح احساس تبعیض برای کل اعضای نمونه برابر (۱/۹۸) می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود سطح احساس تبعیض کمتر از حد متوسط است. کمترین احساس تبعیض مربوط به شهر شیروان و بیشترین احساس تبعیض مربوط به شهر فاروج است.

جدول ۷. آزمون t تک نمونه‌ای وضعیت مؤلفه‌های احساس تبعیض

شهر											
بجنورد		شیروان		مانه و سملقان		فاروج		اسفراین		مجموع	
آماره t	sig	آماره t	sig	آماره t	sig	آماره t	sig	آماره t	sig	آماره t	sig
-۳/۵۰۲	۰/۰۰۱	-۱۴/۹۴	۰/۰۰۰	-۶/۱۳۴	۰/۰۰۰	-۲/۵۸۱	۰/۰۱۵	-۵/۱۲۳	۰/۰۰۰	-۱۰/۴۶۷	۰/۰۰۰
-۳/۹۵۶	۰/۰۰۱	-۶/۳۷	۰/۰۰۰	-۶/۲۷	۰/۰۰۰	۰/۹۴۱	۰/۴۱۶	۰/۴۵۶	۰/۶۶۲	-۶/۵۱	۰/۰۰۰
-۱۰/۳۷	۰/۰۰۰	-۱۹/۷۲	۰/۰۰۰	-۱۴/۶۶	۰/۰۰۰	-۴/۲۷	۰/۰۰۰	-۹/۰۸	۰/۰۰۰	-۲۳/۷۶	۰/۰۰۰

روزمره												
۰/۰۰۰۰	-۲۲/۵۱	۰/۰۰۰	-۷/۷۵	۰/۰۰۰	-۵/۵۶	۰/۰۰۰	-۱۳/۸۱	۰/۰۰۰	-۲۰/۹	۰/۰۰۰	--۱۰/۱۵	احساس تبعیض

با توجه به منفی بودن مقدار اماره t و سطح معنی داری ($sig < ۰,۰۵$) آزمون تبعیض در محیط در کار (شاغلین)، احساس تبعیض در تعاملات روزمره و احساس تبعیض برای تمام شهرها مشخص می‌گردد سطح احساس تبعیض در محیط کار (شاغلین)، احساس تبعیض در تعاملات روزمره و احساس تبعیض کمتر از حد متوسط است. احساس تبعیض در محیط تحصیل (محصّلین) فقط در شهرهای بجنورد، شیروان و مانه و سملقان کمتر از حد متوسط است. سطح احساس تبعیض در محیط تحصیل در شهر فاروج و اسفراین به ترتیب برابر $۰/۴۱۶$ و $۰/۶۶۲$ می‌باشد که این مقدار بیشتر از $۰/۰۵$ است. بنابراین سطح احساس تبعیض در محیط تحصیل در شهر فاروج و اسفراین در حد متوسط است.

ب- ابعاد هویت جمعی جوانان

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میانگین هویت فراملی در سطح شناختی، احساسی و رفتاری در تمام شهرها و در کل نمونه کمتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت فراملی در سطح شناخت مربوط به شهر اسفراین و بیشترین هویت فراملی در سطح شناخت مربوط به شهر شیروان است. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین جنبه‌های شناختی و احساسی هویت ملی در میان پاسخگویان از جایگاه بالایی برخوردار است و این بدان معناست که آموخته‌ها و احساسات پاسخگویان تحت تأثیر هویت ملی است هرچند که برجستگی هویت ملی در جنبه رفتاری پاسخگویان نسبت به دو جنبه دیگر پایین‌تر است.

یافته‌های تحقیق در ارتباط با هریک از سطوح هویت فرو ملی نشان می‌دهد که؛

سطح شناخت در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت ملی در سطح شناخت مربوط به شهر مانه و سملقان و بیشترین هویت ملی در سطح شناخت مربوط به شهر فاروج است. سطح احساس در تمامی شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت ملی در سطح احساس مربوط به شهر مانه و سملقان و بیشترین هویت ملی در سطح احساس مربوط به شهر شیروان است. سطح رفتاری در تمام شهرها (به جز شیروان در حد متوسط) و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت ملی در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر شیروان و بیشترین میانگین هویت ملی در سطح رفتاری به شهر فاروج است. بنابراین می‌توان گفت:

بیشترین سطح شناخت و رفتار مربوط به شهر فاروج است و این بدان معناست که آموخته‌های جوانان فاروج در

ارتباط با هویت ملی‌شان و رفتارهایشان نیز با آموخته‌هایشان مطابقت و هماهنگی دارد ولی در زمینه احساسی شهر شیروان جلوتر از دیگر شهرهاست و این بدان معناست که مردم فاروج احساس تعلق و تعهد خاطر بیشتری نسبت به دیگر شهرهای خراسان شمالی نسبت به هویت ملی دارند. در حالی که کمترین میانگین هویت ملی در سطح شناخت و احساس مربوط به شهر مانه و سملقان و در زمینه به‌کارگیری و رفتار مربوط به شهرستان شیروان است و این بدان معنی است که آموخته‌ها و احساسات مردم مانه و سملقان و رفتارهای پاسخگویان شیروان کمتر تحت تأثیر هویت ملی‌شان است.

میانگین هویت جنسیتی (مردان)

سطح شناخت در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت جنسیتی (مردان) در سطح شناخت مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت جنسیتی (مردان) در سطح شناخت مربوط به شهر مانه و سملقان است. سطح احساس تعهد و تعلق در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت جنسیتی (مردان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر اسفراین و بیشترین هویت جنسیتی (مردان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر فاروج است. سطح به‌کارگیری و شناخت در رفتارهای روزمره در تمام شهرها (اسفراین در حد متوسط) و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت جنسیتی (مردان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت جنسیتی (مردان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر فاروج است. بنابراین می‌توان گفت: بیشترین میانگین هویت جنسیتی مردان در سطح احساسی و رفتاری مربوط به شهر فاروج است و این بدان معناست که آموخته‌ها و احساسات و رفتارهایشان در هریک از این ابعاد تحت تأثیر هویت جنسیتی مردان است و کمترین میانگین هویت جنسیتی مردان مربوط به پاسخگویان اسفراین است. یعنی آموخته‌ها، احساسات و رفتارهایی که پاسخگویان در زندگی روزمره انجام می‌دهند کمتر تحت تأثیر هویت جنسیتی مردان است.

میانگین هویت جنسیتی (زنان)

سطح شناخت در تمام شهرها (اسفراین در حد متوسط) و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت جنسیتی (زنان) در سطح شناخت مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت جنسیتی (زنان) در سطح شناخت مربوط به شهر فاروج است. سطح احساس تعهد و تعلق در تمام شهرها (اسفراین در حد متوسط) و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط و کمترین میانگین هویت جنسیتی (زنان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر اسفراین و بیشترین هویت جنسیتی (زنان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر مانه و سملقان است. سطح به‌کارگیری در رفتارهای روزمره در تمام شهرها (اسفراین در حد متوسط) و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است

و کمترین میانگین هویت جنسیتی (زنان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت جنسیتی (زنان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر فاروج است.

بنابراین می‌توان گفت پاسخگویان اسفراینی کمتر تحت تأثیر هویت جنسیتی زنان هستند در حالی که مردم فاروج در سطح شناخت و رفتار و مردم مانه و سملقان در طرح احساسی بیشتر از دیگران تحت تأثیر هویت جنسیتی زنان هستند.

میانگین هویت خانوادگی (مردان)

سطح شناخت در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت خانوادگی (مردان) در سطح شناخت مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت خانوادگی (مردان) در سطح شناخت مربوط به شهر شیروان است. سطح احساس تعهد و تعلق در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت خانوادگی (مردان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر اسفراین و بیشترین هویت خانوادگی (مردان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر شیروان است. سطح به‌کارگیری در رفتارهای روزمره در تمام شهرها (اسفراین در حد متوسط) و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت خانوادگی (مردان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت خانوادگی (مردان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر فاروج است. پس می‌توان گفت در همه ابعاد پاسخگویان اسفراینی کمتر تحت تأثیر هویت خانوادگی مردان در حالی که جوانان فاروج در سطح شناخت و رفتار و پاسخگویان شیروانی در سطح احساس تعلق خاطر هویت خانوادگی مردان هستند.

میانگین هویت خانوادگی (زنان)

سطح شناخت در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت خانوادگی (زنان) در سطح شناخت مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت خانوادگی (زنان) در سطح شناخت مربوط به شهر شیروان است. سطح احساس تعهد و تعلق در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت خانوادگی (زنان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر اسفراین و بیشترین هویت خانوادگی (زنان) در سطح احساس تعهد مربوط به شهر شیروان است. سطح به‌کارگیری شناخت به هویت خانوادگی در رفتارهای روزمره در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت خانوادگی (زنان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر اسفراین و بیشترین میانگین هویت خانوادگی (زنان) در سطح به‌کارگیری مربوط به شهر مانه و سملقان است. بنابراین می‌توان گفت جوانان کرمانج شهر اسفراین کمتر تحت تأثیر هویت خانوادگی (زنان) هستند در حالی که پاسخگویان شیروان در سطوح شناختی و احساسی و جوانان مانه و سملقان

تحت تأثیر هویت خانوادگی زنان هستند.

میانگین هویت خانوادگی (فرزند)

میانگین هویت خانوادگی درس سطح در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت خانوادگی (فرزند) در سطح شناخت مربوط به شهر فاروج و بیشترین میانگین هویت خانوادگی (فرزند) در سطح شناخت مربوط به شهر شیروان است.

میانگین هویت طبقاتی

سطح شناخت از هویت طبقاتی در شهر شیروان کمتر از حد متوسط و در شهر فاروج و کل نمونه در حد متوسط و در سایر شهرها بیشتر از حد متوسط است. سطح احساس تعهد و تعلق به هویت طبقاتی در تمام شهرها به جز شیروان در حد متوسط و در شیروان کمتر از حد متوسط است. سطح به کارگیری هویت طبقاتی در رفتارهای روزمره در تمام شهرها به جز فاروج اسفراین کمتر از حد متوسط و در شهر فاروج و اسفراین کمتر از حد متوسط می باشد.

میانگین هویت دینی

سطح شناخت دینی در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط و کمترین میانگین هویت دینی در سطح شناخت مربوط به شهر بجنورد و بیشترین میانگین هویت دینی در سطح شناخت مربوط به شهر شیروان است. سطح احساس تعهد و تعلق به هویت دینی در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت دینی در سطح شناخت مربوط به شهر بجنورد و بیشترین میانگین هویت دینی در سطح شناخت مربوط به شهر شیروان است. سطح به کارگیری در رفتارهای روزمره در تمام شهرها و در کل نمونه بیشتر از حد متوسط است و کمترین میانگین هویت دینی در سطح به کارگیری مربوط به شهر بجنورد و بیشترین میانگین هویت دینی در سطح به کارگیری مربوط به شهر فاروج است. جالب است که بدانیم مردم شیروان در سطح شناختی و احساسی و جوانان فاروجی در سطح رفتار تحت تأثیر هویت دینی خود هستند در حالی که جوانان بجنوردی (پاریس کوچولو) در هر سه سطح چندان تحت تأثیر هویت دینی شان نیستند. و این بدان معناست که شناخت، احساس تعلق و به کارگیری در عمل و رفتار برای مردم بجنورد کمتر تحت تأثیر هویت دینی هستند.

میانگین مورد نظر بین اعداد ۱ تا ۵ در نوسان است (البته لازم به ذکر است که از درج میانگین مربوط به گویه های هر کدام از جنبه ها به دلیل حجم بالا صرف نظر شده است).

بررسی رابطه متغیرهای تحقیق

آزمون همبستگی بررسی رابطه‌ی میان متغیرها را به صورت دوه‌دو نشان می‌دهد. برخی از ضرایب در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار هستند (مقدار سطح معناداری کمتر از ۱ درصد هست) و با علامت (*) مشخص شده‌اند. ضرایب که علامت خاصی ندارند نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارد. ضریب مثبت نشان‌دهنده رابطه‌ی مثبت و مستقیم بین دو متغیر هست و ضریب منفی نشان‌دهنده رابطه‌ی منفی و عکس بین دو متغیر هست

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت فراملی در سطح شناخت فقط در شهر اسفراین و در کل نمونه معنی‌دار است. به عبارتی رابطه معنی‌دار بین احساس تبعیض و هویت فراملی در سطح شناخت در بین کل اعضای نمونه و همچنین در بین افراد شهر اسفراین وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می‌توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد. در سطح تعهد و به‌کارگیری فقط در شهر بجنورد و در کل نمونه معنی‌دار است. به عبارتی رابطه معنی‌دار بین احساس تبعیض و هویت فراملی در سطح تعهد و به‌کارگیری در بین کل اعضای نمونه و همچنین در بین افراد شهر بجنورد وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می‌توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت ملی: در سطح یادگیری فقط در شهر شیروان معنی‌دار است. به عبارتی رابطه معنی‌دار بین احساس تبعیض و هویت ملی در سطح یادگیری وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می‌توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت جنسیتی (مرد): در سطح تعهد فقط در شهر بجنورد و در کل نمونه و در سطح به‌کارگیری در کل نمونه معنی‌دار است. به عبارتی رابطه معنی‌دار بین احساس تبعیض و هویت جنسیتی (مرد) در سطح تعهد فقط در شهر بجنورد و در کل نمونه و در سطح به‌کارگیری در کل نمونه وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می‌توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت جنسیتی (زن): در هر سه سطح فقط در شهر شیروان و در کل نمونه معنی‌دار است. به عبارتی رابطه معنی‌دار بین احساس تبعیض و هویت جنسیتی (زن) در هر سه سطح فقط در شهر شیروان و در کل نمونه وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می‌توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت خانوادگی (مرد): در هر دو سطح تعهد و به‌کارگیری فقط در شهر بجنورد معنی‌دار است. به عبارتی رابطه معنی‌دار بین احساس تبعیض و هویت خانوادگی (مرد) در دو سطح تعهد و

به کارگیری فقط در شهر بجنورد وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت خانوادگی (زن): در هر دو سطح شناخت فقط در شهر مانه و سملقان معنی دار است. به عبارتی رابطه معنی دار بین احساس تبعیض و هویت خانوادگی (زن) در سطح شناخت فقط در شهر مانه و سملقان وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت خانوادگی (فرزند): در هر سه سطح فقط در شهر مانه و سملقان و کل نمونه معنی دار است. به عبارتی رابطه معنی دار بین احساس تبعیض و هویت خانوادگی (فرزند) در هر سه سطح فقط در شهر مانه و سملقان و کل نمونه وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

رابطه بین متغیر احساس تبعیض و هویت دینی: در هر سه سطح در کل نمونه معنی دار است. به عبارتی رابطه معنی دار بین احساس تبعیض و هویت دینی در هر سه سطح در کل نمونه وجود دارد. با توجه به منفی بودن علامت ضریب همبستگی می توان گفت رابطه معکوس بین دو متغیر وجود دارد.

جدول ۸. بررسی اثر احساس تبعیض بر هویت جمعی جوانان

توضیح	اولویت	آماره t	ضریب تعیین	بار عاملی	اثر احساس تبعیض بر مؤلفه های هویت جمعی جوانان
با توجه به نتایج حاصل از معادلات ساختاری مشخص می شود احساس تبعیض بیشترین تأثیر را بر متغیرهای هویت دینی، هویت ملی و هویت جنسیتی زنان و کمترین تأثیر را بر هویت جنسیتی مردها و هویت طبقاتی می گذارد. احساس تبعیض بر هویت فراملی اثر معنادار ندارد.	اول	-۱۲/۲۴	۰/۵۲	-۰/۷۲	هویت دینی
	دوم	-۱۰/۷۲	۰/۴۲	-۰/۶۵	هویت ملی
	سوم	-۹/۳۱	۰/۲۸	-۰/۵۳	هویت خانوادگی مرد
	چهارم	-۸/۶۷	۰/۲۵	-۰/۵	هویت جنسیتی زن
	پنجم	-۵/۸	۰/۱۲	-۰/۳۴	هویت خانوادگی فرزند
	ششم	-۵	۰/۱۱۱	-۰/۳۳	هویت خانوادگی زن
	هفتم	-۵/۲۹	۰/۱۰	-۰/۳۲	هویت جنسیتی مرد
	هشتم	-۳/۸	۰/۰۶	-۰/۲۴	هویت طبقاتی
	-	-۰/۵۳	-	-۰/۰۳	هویت فراملی
با توجه به نتایج حاصل از معادلات ساختاری مشخص می شود احساس تبعیض اثر معکوس بر هویت جوانان دارد.		-۹/۹۱	۰/۲۶	-۰/۵۱	هویت جمعی

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۸ شخص می‌گردد احساس تبعیض بر هویت فراملی اثر معنادار ندارد زیرا آماره t متغیر هویت ملی برابر $(-۰/۵۳)$ می‌باشد که این مقدار در بازه $(۱/۹۶ و -۱/۹۶)$ است. احساس تبعیض بر سایر مؤلفه‌های هویت جوانان اثر دارد. با توجه به منفی بودن ضریب اثر مشخص می‌گردد احساس تبعیض اثر معکوس بر هویت ملی و فرو ملی جوانان دارد. همچنین احساس تبعیض بیشترین تأثیر را بر متغیرهای هویت دینی، هویت ملی و هویت جنسیتی زنان و کمترین تأثیر را بر هویت جنسیتی مردها و هویت طبقاتی می‌گذارد. ضمناً احساس تبعیض بر هویت فراملی اثر معناداری ندارد.

تحلیل مسیر:

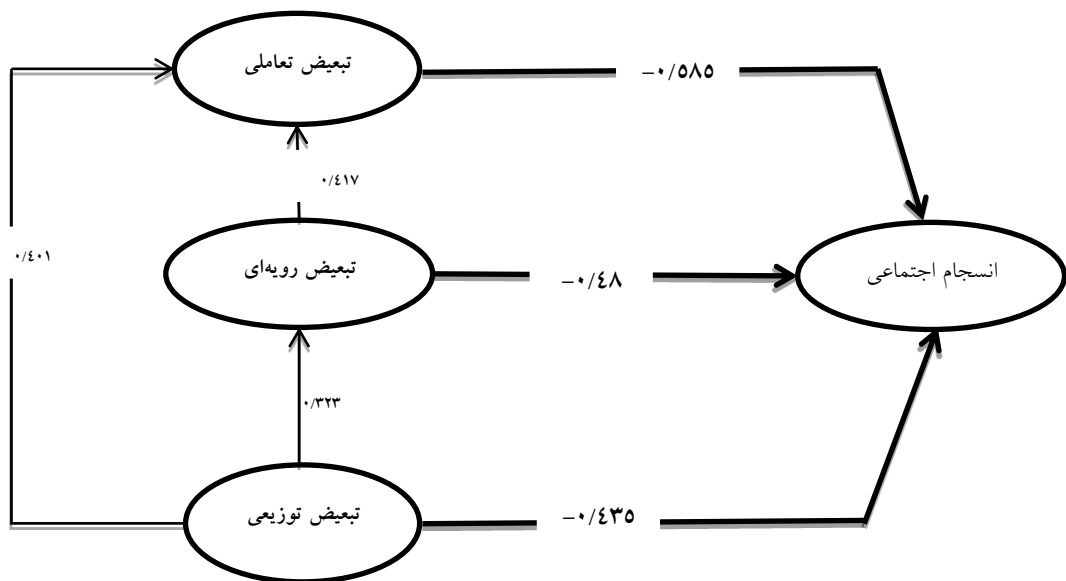
به‌منظور به‌دست آوردن تأثیرات متغیرهای مستقل بر وابسته باید میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر مستقل را محاسبه می‌شود.

جدول ۸. تحلیل مسیر مدل گروه شهروندان

اثر	مسیر	
-۰/۵۸۵	احساس تبعیض تعاملی ← هویت جمعی	مستقیم
-۰/۴۸	احساس تبعیض رویه‌ای ← هویت جمعی	
-۰/۴۳۵	احساس تبعیض توزیعی ← هویت جمعی	
۰/۴۱۷	احساس تبعیض رویه‌ای ← احساس تبعیض تعاملی	
۰/۴۰۱	احساس تبعیض توزیعی ← احساس تبعیض تعاملی	
۰/۳۲۳	احساس تبعیض توزیعی ← احساس تبعیض رویه‌ای	
-۰/۱۵ = -۰/۴۸ * ۰/۳۲۳	احساس تبعیض توزیعی ← احساس تبعیض رویه‌ای ← هویت جمعی	غیرمستقیم
-۰/۲۳ = -۰/۵۸۵ * ۰/۴۰۱	احساس تبعیض تعاملی ← احساس تبعیض توزیعی ← هویت جمعی	
-۰/۵۸۵ * ۰/۴۱۷ * ۰/۳۲۳ = -۰/۰۷	احساس تبعیض تعاملی ← احساس تبعیض رویه‌ای ← احساس تبعیض توزیعی ← هویت جمعی	
-۰/۵۸۵ * ۰/۴۱۷ = -۰/۲۴	احساس تبعیض تعاملی ← احساس تبعیض رویه‌ای ← هویت جمعی	
-۰/۵۸۵	احساس تبعیض تعاملی ← هویت جمعی	کل
-۰/۷۲ = -۰/۰۲۴ - ۰/۴۸	احساس تبعیض رویه‌ای ← هویت جمعی	
۰ - ۰/۰۳۵۲ - ۰/۲۳۹/۵۳۵ = -۰/۱۴	احساس تبعیض توزیعی ← هویت جمعی	

طبق نتایج تحلیل مسیر اثر کل متغیر احساس تبعیض تعاملی بر هویت جمعی برابر $0/585-$ و اثر کل متغیر احساس تبعیض رویه‌ای بر هویت جمعی برابر $0/72-$ و اثر کل متغیر احساس تبعیض توزیعی بر هویت جمعی برابر $0/885-$ می‌باشد.

تأثیرات احساس تبعیض قومی بر هر یک از ابعاد هویت جمعی جوانان نشان می‌دهد که احساس تبعیض در تعاملات بین افراد بیشتر از تبعیض رویه‌ای و توزیعی است.

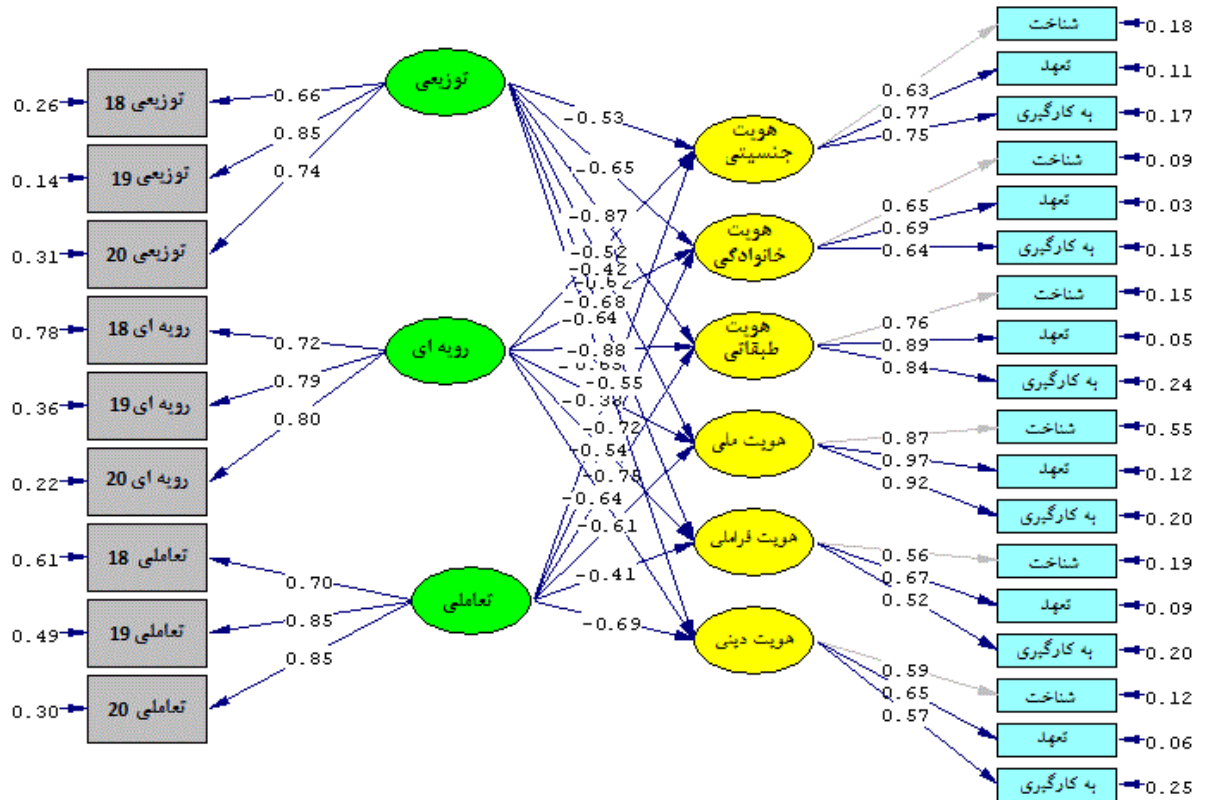


شکل ۱. مرحله نهایی تحلیل مسیر

بررسی فرضیه اصلی

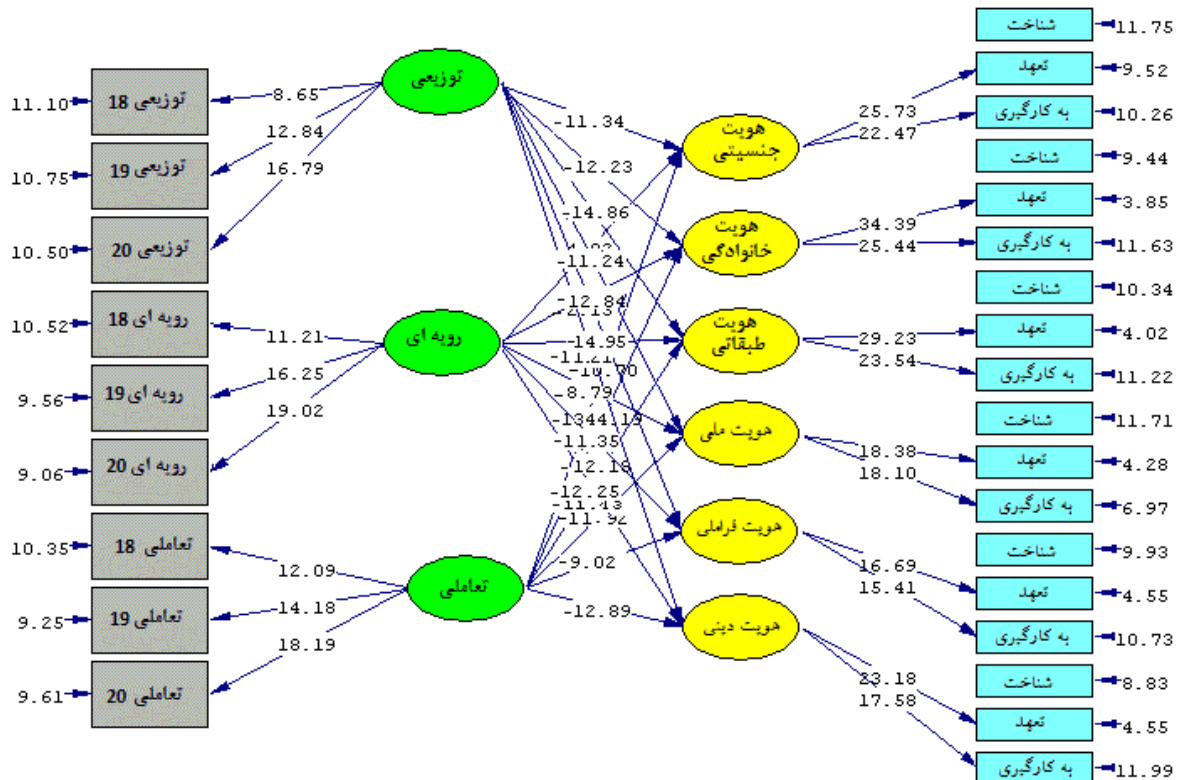
۱- به نظر می‌رسد ابعاد تبعیض قومی (رویه‌ای، توزیعی و تعاملی) در جنبه‌های (شناختی، رفتاری و احساسی) ابعاد هویت ملی و فرو ملی تأثیرگذار هستند.

در شمایل زیر بیضی‌ها، متغیرهای مکنونی عامل‌ها، و مستطیل‌ها مواد پرسشنامه‌ی احساس تبعیض قومی و هویت ملی و فرو ملی جوانان قوم کرمانج را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مدل مسیر از ۹ متغیر پنهان و ۲۷ متغیر آشکار تشکیل شده است.



Chi-Square=871.64, df=303, P-value=0.00000, RMSEA=0.066

شکل ۲. الگوی اندازه‌گیری ابعاد تبعیض قومی بر ابعاد هویت جمعی جوانان در حالت تخمین استاندارد



Chi-Square=871.64, df=303, P-value=0.00000, RMSEA=0.066

شکل ۳. الگوی اندازه‌گیری ابعاد تبعیض قومی بر ابعاد هویت جمعی جوانان در حالت معناداری پارامتر

بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد میزان تأثیر هر کدام از متغیرها و یا گویه‌ها را در توضیح و تبیین واریانس نمرات متغیر یا عامل اصلی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بار عاملی نشان‌دهنده میزان همبستگی هر متغیر مشاهده‌گر با متغیر مکنون (عامل‌ها) می‌باشد. با توجه به شکل (۱) می‌توان بارهای عاملی هر یک از متغیرها را مشاهده نمود.

برای مثال متغیر «تبعیض توزیعی» دارای بار عاملی (۰/۷۸-) می‌باشد. به عبارت دیگر متغیر «احساس تبعیض توزیعی» تقریباً ۶۱ درصد (۰/۷۸) را به توان ۲ می‌رسانیم) از واریانس عامل «هویت دینی» را تبیین می‌نماید. با توجه به منفی بودن بار عاملی می‌توان گفت احساس تبعیض توزیعی اثر معکوس بر هویت دینی دارد.

خروجی بعدی یعنی شکل (۲)، مدل در حالت معناداری ضرایب و پارامترهای به دست آمده مدل اندازه‌گیری بارهای عاملی هر یک از متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد که تمامی ضرایب به دست آمده به جز متغیر هویت ملی معنادار شده‌اند. زیرا مقدار آزمون معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر از ۱/۹۶- نشان‌دهنده معناداری بودن روابط است. دو خروجی نرم‌افزار لیزرل (مدل در حالت تخمین استاندارد و مدل در حالت ضرایب معناداری) نشان داده شده است.

بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت تأثیر ابعاد تبعیض (توزیعی، رویه‌ای و تعاملی) بر ابعاد هویت جمعی (خانوادگی، طبقاتی، دینی، ملی) تأثیرگذار هستند.

۴. نتیجه‌گیری

هویت جمعی افراد، ارتباط مستقیمی با نوع و میزان تبعیض و طرد اجتماعی آن‌ها دارد. نشانه‌های این تبعیض در عدم توزیع نابرابر و عدالت اجتماعی خود را نشان می‌دهد که همین نا عدالتی، سبب نهادینه شدن نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. نتایج نشانگر ارتباط معنادار بین احساس تبعیض قومی و ابعاد هویت فرو ملی و ملی جوانان قوم کرد کرمانج است. نتایج نشان داد که در تبیین تغییرات واریانس هویت جمعی جوانان، متغیرها دارای اولویت و سهم متفاوتی می‌باشند و در این میان بیشترین سهم را هویت دینی به خود اختصاص داده است و پس از آن به هویت ملی تعلق دارد. و این بدان معناست که آموخته‌ها، احساسات و رفتارهایی که پاسخگویان در زندگی روزمره انجام می‌دهند بیشتر تحت تأثیر بعد دینی و مذهبی و سپس هویت ملی است. در این میان شهرستان شیروان در سطح شناختی و احساسی و شهرستان فاروج در مرحله به‌کارگیری بیشترین رفتار را نسبت به هویت دینی نشان داده‌اند. جالب است که بدانیم شهرستان بجنورد (مرکز استان) کمترین میزان شناخت، احساس و رفتار را نسبت به هویت دینی دارد.

در ارتباط بین احساس تبعیض و سطوح هویتی مشخص شد که احساس تبعیض بیشترین تأثیر را بر متغیرهای

هویت دینی با بار عاملی $0/72-$ و پس از آن به ترتیب بر هویت ملی ($0/65-$) می‌گذارد... علامت منفی نشان‌دهنده اثر معکوس تبعیض بر هویت جمعی و سطوح آن می‌باشد به عبارت دیگر با افزایش احساس تبعیض، هویت دینی و سطوح آن کاهش خواهد یافت. در حالی که احساس تبعیض در هویت فراملی اثر معناداری ندارد. در این میان باید اشاره کرد از سه سطح مطرح (شناختی، احساسی و رفتاری) در همه مؤلفه‌ها بعد احساسی بیشترین سهم را داراست مهم‌ترین نکته‌ای که درباره کاستی پژوهش‌های مذکور می‌توان بیان کرد، آن است که محققان در بررسی ابعاد هویتی مطالعه خود را بیشتر بر جنبه احساسی هویت متمرکز کرده‌اند، در حالی که احساس تنها بخشی از جنبه‌های ابعاد هویت جمعی افراد است.. همچنین سطح شناختی در مؤلفه‌های هویت ملی، هویت خانوادگی و هویت دینی در رتبه دوم و سطح رفتاری در مؤلفه‌های هویت طبقاتی دارای کمترین سهم می‌باشد. این بدان معناست که شناخت و آگاهی و احساس تعلق پاسخگویان از مؤلفه‌های هویت طبقاتی برجسته‌تر از رفتارهایشان در این زمینه است.

پیشنهاد

نتایج به دست آمده در حوزه هویت طبقاتی و به حاشیه رانده شدن این بعد هویتی به واسطه تعلقات قومی و مذهبی، نیازمند انجام پژوهش‌هایی در این زمینه در اقوام مختلف استان خراسان شمالی و همچنین استان‌های مشابه است که از تنوع قومی و دینی برخوردارند تا از طریق تکرار پژوهش‌های متعدد در این زمینه به تعریف جامعی از هویت طبقاتی با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی مشابه دست‌یافت. توجه بیشتر به گسترش مراکز مطالعات قومی متناسب با تنوع قومی موجود امری ضروری است نتایج به دست آمده در حوزه احساس تبعیض حاکی از این است که احساس تبعیض در تعاملات روزمره بیشتر از محیط کار و محیط تحصیل است. است بنابراین توصیه می‌شود برنامه‌هایی جهت افزایش اطلاعات و آگاهی جوانان و تعاملات آن‌ها در خصوص مسائل جامعه اجرا شود که در نهایت امر، این مسئله منجر به تقویت باورها و گرایش نسل بعدی به مسائل اجتماعی و تقویت هویت ملی آنان خواهد شد. توصیه می‌شود نهادهایی هم چون وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان ملی جوانان، نظام آموزش و پرورش و ... برنامه‌ریزی‌های متنوع و جذابی برای نوجوانان و خانواده‌های آن‌ها در رابطه با مسائل قومی، دینی، ملی و جمعی طراحی نمایند و زمینه مشارکت دانش‌آموزان و خانواده‌ها را نیز در این برنامه‌ها فراهم سازند.

فهرست منابع و مآخذ

- بهشتی، سید صمد و حق مرادی، محمد (۱۳۹۶)، با عنوان، احساس تعلق به ایران در میان اقوام ایرانی، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۳: ۴۰-۲۵.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله و حسینی بیچی کلا، سید ابراهیم (۱۳۹۹)، تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی (جوانان بومی قوم ترک و کرد) بر هویت ملی با تأکید بر شاخص‌های هویت ملی از نگاه امام خمینی (ره)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۴: ۶۶-۴۵.
- صفا، سوسن؛ ترکمان، فرح و صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۴۰۰). بررسی احساس تبعیض بر ابعاد هویت جوانان کُرد کرمانج استان خراسان شمالی، مطالعات ملی، دوره ۲، شماره ۲: ۱۳۴-۱۱.
- نیازی، محسن و افرا، هادی. (۱۳۹۷)، بازسازی معنایی ساخت هویت شخصی پست‌مدرن (مورد مطالعه: جوانان شهر بجنورد)، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۷، شماره ۸۲: ۶۹-۳۱.
- هاشمی، سید حکیمه؛ صالحی امیری، سید رضا؛ کاظمی پور ثابت، شهلا؛ موسائی، میثم و بقائی سرابی، علی (۱۳۹۹). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر احساس تبعیض بر اعتماد اجتماعی اقلیت‌های دینی (مورد مطالعه: زرتشتیان ساکن در شهر تهران)، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۴۲: ۸۶-۶۳.

فهرست منابع و مآخذ انگلیسی

- Castells, Manuel (۲۰۰۹). Communication power. Oxford: Oxford University Press.
- Reynolds, Larry J. & Aerman-Kinney, Nancy J. (۲۰۰۳). Handbook Symbolic Interactionism Rowman & Littlefield.
- Thibeault, M., Stein, G.L., & Nelson-Gray, R. (۲۰۱۷). Ethnic identity in context of ethnic discrimination: When does gender and other-group orientation increase risk for depressive symptoms for immigrant-origin young adults? Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology.

